

## واکاوی نسبت منافع ملی جمهوری اسلامی ایران با نظام بین الملل و بازخورد آن در جهت گیری سیاست خارجی

\* رضا اختیاری امیری<sup>۱</sup>، حسین دوست محمدی<sup>۲</sup>، محمدتقی قزل سفلی<sup>۳</sup>

۱. دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران
۲. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران
۳. دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

### اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۶ مهر ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۳ دی ۱۴۰۳

تاریخ انتشار: ۲۰ اسفند ۱۴۰۳

### چکیده

کانون اصلی سیاست خارجی هر کشوری تأمین منافع ملی است، اما تأمین منافع ملی در خلأ رخ نمی‌دهد و نیازمند تعامل دولت‌ها با نظام بین الملل و هنجارهای برخاسته از آن است. در همین ارتباط، از زمان وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ علی‌رغم بروز و ظهور رگه‌هایی از واقع بینی در برخی ادوار، بعد آرمان باوری در سیاست خارجی غلبه داشته است. به همین جهت، جمهوری اسلامی ایران در تأمین منافع ملی در عرصه سیاست خارجی با چالش‌های جدی مواجه شده است. در همین راستا سوال اصلی پژوهش بر این مبنا قرار دارد که باتوجه به ناسازواری منافع ملی با ساختار نظام بین الملل، چه راهبردی در عرصه سیاست خارجی بهتر می‌تواند منافع ملی جمهوری اسلامی ایران را تأمین کند؟ یافته‌ها مبین این واقعیت هستند که باتوجه به ماهیت ایدئولوژیک نظام و ضرورت حفظ آرمان‌های انقلاب اسلامی از یک سو و ساختار واقع گرایانه نظام بین الملل و الزامات آن از سوی دیگر، اتخاذ راهبرد عمل‌گرایی نتیجه‌محور در سیاست خارجی می‌تواند به بهترین نحو تأمین‌کننده منافع ملی باشد. روش پژوهش تحلیل محتوای کیفی بوده و داده‌ها از منابع اسنادی و کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است. همچنین از مبانی نظری پراگماتیسم برای تبیین موضوع پژوهش بهره‌برداری شده است.

### کلیدواژه‌ها:

منافع ملی، سیاست  
خارجی، ایدئولوژی،  
عمل‌گرایی، جمهوری  
اسلامی ایران.

### \* نویسنده مسئول:

دکتر رضا اختیاری امیری  
نشانی: دانشیار گروه علوم سیاسی،  
دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه  
مازندران، بابلسر، ایران  
پست الکترونیک:  
r.ekhtiari@umz.ir

### استناد به این مقاله:

اختیاری امیری، رضا و دوست محمدی حسین و قزل سفلی، محمدتقی. (۱۴۰۳). واکاوی نسبت منافع ملی جمهوری اسلامی ایران با نظام بین الملل و بازخورد آن در جهت‌گیری سیاست خارجی، ۶(۴)، ۲۶-۱.

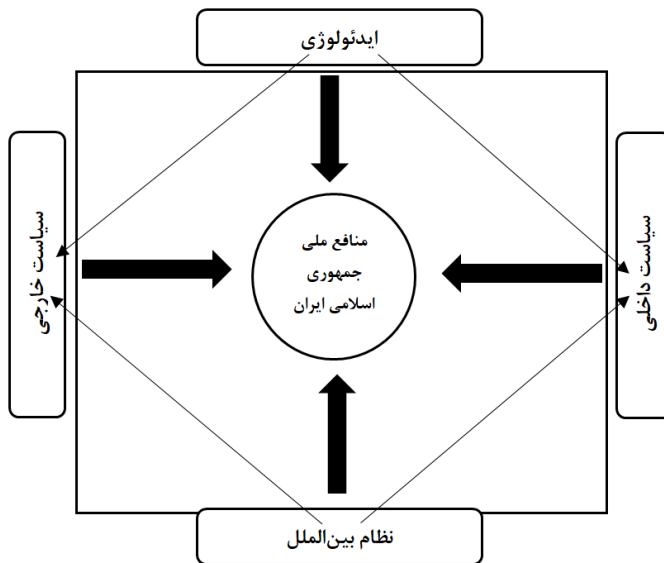
## ۱. مقدمه

منافع ملی به‌عنوان «اهداف مشترک و بلندمدت دولت و ملت» که در عرصه جهانی پیگیری می‌شود به جهت‌گیری سیاست خارجی کشورها شکل می‌دهد. مهم‌ترین این اهداف عبارت‌اند از: حفظ استقلال، تمامیت ارضی، حاکمیت ملی، نظام اجتماعی، امنیت و رفاه شهروندان و ... منافع ملی پیوند وثیقی با آرمان‌ها، اهداف، سیاست‌ها و راهبردهای ملی دارد. درحقیقت، نقش منافع ملی در سیاست خارجی مانند پلی است که آرمان‌های ملی [راهبرد کلان] سیاست یک کشور را به راهبردهای ملی [رویکردهای خرد] پیوند می‌دهد.

راهبرد ملی → سیاست‌های ملی → اهداف ملی → منافع ملی → آرمان‌های ملی

از زاویه دید واقع‌گرایان ازجمله هانس مورگنتا، منافع ملی چیزی به غیر از تلاش برای کسب قدرت نیست (Behzadi, 1999) بنابراین او قائل به تصادم منافع ملی کشورهاست، اما در دیدگاه آرمان‌گرایان منافع ملی در عرصه جهانی تبیین می‌شود و ماهیت، تعریف و اهداف ثابتی ندارد، بلکه برآیند نظرات متفاوت و گاه متضاد گروه‌های مختلف یک کشور است. بااین‌حال، گویا عرصه تأمین منافع ملی عرصه‌ای فراملی است. براین‌اساس، «منافع ملی عبارت است از مهم‌ترین انگیزه‌ها و ارزش‌ها، عالی‌ترین اهداف و آرمان‌ها و حیاتی‌ترین نیازهای هر کشور که سیاست خارجی آن را هدایت می‌کند». (Dehghani Firouzabadi, 2015) با وقوع انقلاب اسلامی نخبگان سیاسی در قالب ایدئولوژی نظام تعریفی جدید از منافع ملی کشور ارائه کردند که با هنجارها و الزامات ساختار نظام بین‌الملل ناسازواری داشت. بر همین اساس، انجام تحقیق پیش رو و پژوهش‌های مشابه ضروری می‌کند تا از رهگذر چنین پژوهش‌هایی دستگاه دیپلماسی کشور بتواند به بازسازی تئوریک خود در جهت تأمین منافع ملی بپردازد و باتوجه‌به محیط رئالیستی حاکم، اهداف سیاست خارجی کشور را محقق کند. به‌عبارتی نویسندگان بر آن هستند تا با نیم‌نگاهی به تعاریف آرمان‌گرایانه و ایدئولوژیک جمهوری اسلامی ایران از منافع ملی از یک‌سو و توجه به تحولات عینی، که جهان امروز را به عصر «پساایدئولوژی» رسانده، از سوی دیگر به بازخوانی واقع‌گرایانه از منافع ملی کشور بپردازند. در همین راستا، سوال اصلی پژوهش بدین صورت مطرح می‌شود که باتوجه‌به ناسازواری منافع ملی با ساختار نظام بین‌الملل چه راهبردی در عرصه سیاست خارجی می‌تواند منافع ملی جمهوری اسلامی ایران را به بهترین شکل ممکن تأمین کند؟ فرضیه اصلی بر این مبنا قرار دارد که در ساختار سیاسی

جمهوری اسلامی ایران منافع ملی از دو بخش ذهنی و عینی تشکیل یافته است. ایجاد تعادل و توازن بین این دو بخش زمینه تأمین و تداوم منافع ملی را فراهم می‌کند، اما به نظر می‌رسد راهبرد ایجاد تعادل و توازن بین این دو بخش تاکنون چندان کارساز نبوده است. به همین منظور، باید در خوانش منافع ملی تجدید نظر شود. روش پژوهش تحلیل محتوای کیفی است و از مبانی نظری پراگماتیسم برای تبیین موضوع پژوهش استفاده می‌شود. در تحقیق پیش رو سه دسته از متغیرها نقش ایفا می‌کنند؛ متغیر مستقل ساختار واقع‌گرای نظام بین‌الملل است. متغیر وابسته راهبرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است. متغیر مداخله‌گر خود به دو بخش تقسیم می‌شود: الف) متغیر مداخله‌گر داخلی که ادامه راهبرد ایدئولوژیک در ساختار دولت جمهوری اسلامی ایران است. ب) متغیر مداخله‌گر خارجی کنش و واکنش بین نیروهای علاقه‌مند به گفتمان انقلاب اسلامی با نظام بین‌الملل است بنابراین منافع ملی جمهوری اسلامی ایران در مرکز مربعی قرار دارد که سیاست داخلی، سیاست خارجی و نظام بین‌الملل اضلاع آن را تشکیل می‌دهند. منافع ملی هم‌زمان از این چهار عامل تأثیر می‌پذیرد، اما روی آن‌ها اثر نمی‌گذارد.



عناصر متشکله منافع ملی جمهوری اسلامی ایران و روابط آنها (منبع: نگارندگان)

## ۲. پیشینه پژوهش

محمودی‌کیا (۱۴۰۲) در مقاله «منافع ملی و راهبرد مقاومت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛ رویکرد تقابلی یا هم‌افزا» به آثار و نتایج غلبه ایدئولوژی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از جمله پرونده حقوق بشری ایران، پرونده هسته‌ای و تکنولوژی تسلیحاتی اشاره می‌کند. نویسنده با پیش‌فرض سازواری هنجارهای ایدئولوژیک با جهت‌گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران راهبرد مقاومت را زمینه‌ساز آزادی و استقلال ملی و تقویت بنیان‌های اسلام سیاسی می‌داند. محمدی‌کیا و دهشیری (۱۳۹۹) نیز در مقاله «نسبت عمل‌گرایی و ایدئولوژی در سیاست خارجی ایران؛ رویکردی راهبردی یا تاکتیکی» سیاست خارجی جمهوری اسلامی را ترکیبی از ایدئولوژی و عمل‌گرایی می‌دانند. براین اساس، نویسندگان مدعی هستند تضمین منافع ملی ایران در گرو تحقق ارزش‌ها و هنجارهای ایدئولوژیک است، اما این استراتژی را به هر قیمتی نمی‌توان پیگیری کرد. محمدی‌سیرت (۱۳۹۹) نیز در فصل پنجم کتاب «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛ منافع ملی و اصول اسلامی» به موضوع نسبت عملی منافع ملی و مبانی اسلامی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پرداخته و دیدگاه‌های مرتبط با این موضوع را به سه دسته تعارض، تراحم و تطابق تقسیم‌بندی کرده است. نویسنده بر آن است که با کاربست رویکرد بومی و دینی و اندیشه قرآنی می‌توان به هم‌افزایی منافع ملی و مبانی دینی دست یافت. علاوه‌براین، خانی و محمدی‌سیرت (۱۳۹۷) در مقاله «نسبت عملی منافع ملی و ایدئولوژی اسلامی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» رابطه منافع ملی و مبانی اسلامی را در چهار دسته تقسیم‌بندی کرده‌اند و معتقدند جمهوری اسلامی ایران علاوه‌بر مفاهیم مشترک در تعریف منافع ملی از پاره‌ای مصادیق اختصاصی نیز برای تبیین و معرفی منافع ملی جمهوری اسلامی ایران بهره می‌گیرد. سید فضل‌الله موسوی و همکاران (۱۳۹۶) نیز در مقاله «امنیت و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران در پرتو منشور ملل متحد با تأکید بر مبانی و اهداف انقلاب اسلامی» با استفاده از روش پیمایشی، رابطه بین منافع ملی و امنیت جمهوری اسلامی و اصول منشور ملل متحد را بررسی کرده‌اند. نویسندگان ضمن بیان انتقادات نظری جمهوری اسلامی ایران به منشور ملل متحد به این نتیجه رسیده‌اند که بین این دو مؤلفه تعارضات بسیاری وجود دارد و در صورت ضرورت، جمهوری اسلامی ایران امنیت و منافع ملی خود را به اصول منشور ملل متحد ترجیح خواهد داد.

پژوهش‌های فوق به همبستگی سیاست داخلی و سیاست خارجی اشاره نکرده و درباره نقش

برجسته راهبرد منافع ملی در شکل‌گیری این دو عرصه سیاسی نیز به‌اندازه کافی تأمل نکرده‌اند. اجمالاً می‌توان گفت خوانش این پژوهشگران محترم از رابطه منافع ملی و سیاست خارجی قرائتی درون‌گفتمانی و فاقد سویه‌های انتقادی است که به دگرذیسی عمیق در راهبرد منافع ملی و عرصه سیاست داخلی و خارجی کشورمان نخواهد انجامید، اما در مقاله حاضر تلاش می‌شود ضمن رفع این نقایص از زاویه دید واقع‌گرایی و با تمرکز بر نوپراگماتیسم رورتیایی، منافع ملی جمهوری اسلامی ایران و بازتعریف رابطه آن با سیاست داخلی و خارجی بازخوانی شود، به نحوی که به «آینده‌ای بهتر» بینجامد. نوآوری پژوهش پیش رو این است که تلاش دارد نشان دهد با اعمال رویکرد عمل‌گرای نتیجه‌محور می‌توان هم‌زمان با پایبندی به اصول آرمان‌های انقلاب اسلامی در عرصه نظام بین‌الملل به منافع ملی نیز سروسامان داد.

### ۳. مبانی نظری

پراگماتیسم<sup>۱</sup> مکتبی است که طی آن ارزش اعمال و افکار از روی نتایج عملی آن‌ها بازشناسی می‌شود. (Agha-bakhshi & Afshari, 2024) پراگماتیسم دیدگاهی است که بر آنچه می‌توان در عرصه عینی انجام داد تأکید دارد. این مکتب در نیمه دوم قرن ۱۹ و عمدتاً در آمریکا شکل گرفته است. برخی ویلیام جیمز<sup>۲</sup> (۱۸۴۲-۱۹۱۰) را پایه‌گذار پراگماتیسم می‌دانند، اما برخی دیگر معتقدند نخستین بار چارلز ساندرز پیرس<sup>۳</sup> (۱۸۳۹-۱۹۱۴) بود که در سال ۱۸۷۸ از واژه پراگماتیسم استفاده کرد. (SabzianMosiabadi & Bahman, 2010) سپس دیویی<sup>۴</sup> (۱۹۵۲-۱۸۵۹) و جیمز دیگر اندیشمندان آمریکایی افکار او را ادامه و توسعه دادند. پراگماتیسم دارای ۴ اصل اساسی است شامل طبیعت‌گرایی<sup>۵</sup>، ابزارانگاری، اصالت سود<sup>۶</sup> و علم‌گرایی<sup>۷</sup>. (mi, 2007) این مکتب بر آن است که جهان در حال تغییر است، وضعیتی نامعلوم دارد، ناقص و نامعین است، متکثر است، هدف خود را درون خود دارد و جهان‌ورای تجربه هیچ واقعیتی ندارد، انسان ادامه طبیعت و جهان است، انسان در جهان فعال می‌باشد نیست و جهان هیچ پیشرفتی را

1. Pragmatism
2. William James
3. Charles Sanders Peirce
4. John Dewey
5. Naturalism
6. Utilitarianism
7. Scientism

تضمین نمی‌کند. (Shariatmadari, 2004) در پراگماتیسم حقیقت مفهومی عملی، عینی، روزآمد و پسینی است که همه درباره آن به توافق رسیده‌اند و به سودمندی آن اعتقاد و اعتراف دارند. پیرس مدعی است آنچه حقیقی است به عمل درمی‌آید و جیمز بر این باور است که آنچه به عمل درمی‌آید حقیقی است. (Sabzian Mosiabadi & Bahman, 2010) در پراگماتیسم پیش از آنکه روی هستی‌شناسی<sup>۸</sup> و معرفت‌شناسی<sup>۹</sup> تمرکز شود بر روش‌شناسی<sup>۱۰</sup> تأکید می‌شود بنابراین دیویی آن را معادل ابزارگرایی<sup>۱۱</sup> به کار برده است. گرانیگاه فلسفه پراگماتیسم قابلیت اجرا داشتن و سودمند بودن است بنابراین در این اندیشه خوب بودن<sup>۱۲</sup>، درست بودن<sup>۱۳</sup> و سودمند بودن<sup>۱۴</sup> چنان با هم درآمیخته‌اند که به هیچ‌وجه در تقابل با هم قرار نمی‌گیرند. در پراگماتیسم حقیقت یک عنصر ایستا و مطلق نیست، بلکه مفهومی پویا و متحرک است که براساس مقتضیات و شرایط دچار تحول و تطور می‌شود. به‌طور کلی، پراگماتیسم به دلیل نتیجه‌محور بودن و اولویت بخشیدن به کارایی می‌تواند ضمن ایجاد دگرذیسی در تبیین منافع ملی در قاموس سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بین کارایی و اثربخشی راهبرد سیاست خارجی آن از یک‌سو و ساختار حاکم بر نظام بین‌الملل از سویی دیگر نوعی مفصل‌بندی جدید ایجاد کند که طی آن هم‌زمان آرمان‌های انقلاب اسلامی حفظ و منافع ملی کشور تأمین شود.

#### ۴. یافته‌های پژوهش

##### ۴-۱. تقسیم‌بندی انواع منافع ملی

برخی منافع ملی را مجموعه‌ای از دیدگاه‌های حاصل از سازش سیاسی می‌دانند که به صادقانه‌ترین شکل، واقعیت‌های عینی جامعه را منعکس می‌کنند. در این تعریف، منافع ملی به سه بخش تقسیم می‌شوند:

- ارزش‌های بنیادین

8. Ontology
9. Epistemology
10. Methodology
11. Instrumentalism
12. Like
13. Integrity
14. Benefit

از دیگر افراد شناخته‌شده این نحله فکری میتوان از شیلر و رورتی نام برد.

- تمامیت ارضی، استقلال، حاکمیت
- سایر ارزش‌هایی که قابل مذاکره نیستند. (Metea, 2020)
- برخی دیگر از زاویه دید واقع‌گرایی قدرت را گرانیگاه تعریف منافع ملی می‌دانند و معتقدند سه عامل زیر در کیفیت قدرت دخالت مستقیم دارند:
- عوامل بنیادی از جمله موقعیت ژئواستراتژیک و ژئوآکونومیک
- عناصر و منابع قدرت مانند سیاست، اقتصاد و امنیت
- ظرفیت نهایی منابع قدرت. (Ejitu and Chinyere, 2022)
- منافع ملی را با در نظر داشتن سه مؤلفه می‌توان تقسیم‌بندی کرد؛ منافع ملی از نظر «اهداف»، منافع ملی از نظر «ماهیت»، منافع ملی از نظر «اهمیت».

#### ۱-۱-۴. منافع ملی از نظر اهداف

- در این تقسیم‌بندی با سه دسته از اهداف سروکار داریم:
- اهداف کوتاه‌مدت شامل بقا، حفظ حاکمیت، تمامیت ارضی و...
- اهداف میان‌مدت مانند گسترش اقتدار منطقه‌ای، صدور ایدئولوژی، توسعه فرصت‌های اقتصادی و...
- اهداف بلندمدت شامل آرمان نهایی، هدف غایی و مقصد دور دست. (Salehi & Razavi, 2017)

#### ۲-۱-۴. منافع ملی از نظر اهمیت

- در چهار دسته تقسیم‌بندی می‌شوند:
- منافع ملی وجودی: این منافع غیرقابل مذاکره است و به خطر افتادن آن به اضمحلال کشور می‌انجامد؛ منافع دفاعی و امنیتی و تمامیت ارضی از این دسته‌اند.
- منافع ملی حیاتی: به خطر افتادن این منافع در درازمدت وضعیت مطلوب سیاسی، اقتصادی و بقای کشور را تهدید می‌کند.

- منافع ملی مهم: منافع ملی مهم در سعادت کشور مؤثرند مانند وحدت ملی و ثبات داخلی.
- منافع ملی حاشیه‌ای: مجموعه ارزش‌هایی هستند که مستقیماً به بقا و امنیت کشور مربوط نمی‌شوند. (Dehghani Firouzabadi, 2015)

#### ۲-۴. منافع ملی در جمهوری اسلامی ایران

در خصوص رابطه منافع ملی و مبانی اسلامی چهار دیدگاه پیش روی ماست:

- رویکرد ارتباط: منافع ملی و مبانی اسلامی می‌توانند بدون تعارض با هم ارتباط برقرار کنند.
- رویکرد عدم ارتباط: منافع ملی و مبانی اسلامی هیچ رابطه‌ای با هم ندارند.
- رویکرد انکار منافع ملی: منافع ملی وجود خارجی ندارد هر چه هست مبانی اسلامی است.
- رویکرد ارتباط مشروط: منافع ملی موضوعی عینی و حقیقی است، اما باید در چهارچوب مبانی اسلامی بازتعریف و بازتولید شود. (Khani & Mohammadi-sirat, 2017)

چهار ویژگی عمده که در تدوین منافع ملی جمهوری اسلامی ایران مؤثرند و به سیاست خارجی آن جهت می‌دهند عبارت‌اند از: «استقلال و نفی سلطه»، «جهان‌گستری اسلامی»، «بین‌المللی‌گرایی اسلامی»، «ضد هژمونی‌گرایی». (Mahmoodikia & Dehshiri, 2020)

در مجموع با در نظر گرفتن دو عامل می‌توان به شناختی کلی از ماهیت منافع ملی جمهوری اسلامی ایران دست یافت؛ نخست، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و دوم، دیدگاه رهبران آن.

#### ۲-۴-۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران منافع ملی تحت عنوان مستقلی نیامده است، اما در اصل ۱۶۷ در حاشیه شرایط تشکیل شورای عالی امنیت ملی به آن اشاره شده است. چنانچه تعریف دکتر دهقانی فیروزآبادی از منافع ملی را ملاک قرار دهیم باید به سه رکن «مهم‌ترین انگیزه‌ها و ارزش‌ها»، «عالی‌ترین اهداف و آرمان‌ها» و «حیاتی‌ترین نیازها» در تعریف منافع ملی توجه کنیم و به پایش این سه رکن در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بپردازیم:

## ۴-۲-۱. مهم‌ترین انگیزه‌ها و ارزش‌ها

براساس مفاد اصل دو قانون اساسی، جمهوری اسلامی ایران بر پایه این اصول و ارزش‌ها تأسیس شده است و این اصول و ارزش‌ها بن‌مایه طراحی و اجرای سیاست‌های کلی نظام چه در عرصه داخلی و چه در عرصه خارجی به شمار می‌روند:

- توحید و حاکمیت خدای یگانه بر انسان و جهان
- وحی الهی و نقش بنیادین آن در بیان قوانین
- معاد و نقش سازنده آن در سیر تکاملی انسان به سوی خدا
- عدل خدا در خلقت و تشریح
- امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلامی
- کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت. (The Constitution of the Islamic Republic of Iran, Article 2)

ناگفته پیداست که ارزش‌های عمده مسلط بر منافع ملی جمهوری اسلامی ایران همان ارزش‌های مذهب تشیع هستند بنابراین می‌توان ادعا کرد منافع ملی جمهوری اسلامی ایران با منافع شیعیان جهان پیوندی ناگسستی دارد.

## ۴-۲-۲. عالی‌ترین اهداف و آرمان‌ها

این اهداف و آرمان‌ها که زیرساخت‌های اصلی برنامه‌ریزی کلان دولت جمهوری اسلامی ایران در عرصه سیاست خارجی را تشکیل می‌دهند در اصل ۳ قانون اساسی آمده‌اند که به برخی اشاره می‌شود:

- طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب
- محو هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی
- توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین همه مردم

- و از همه مهم‌تر « تنظیم سیاست خارجی کشور براساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان». (The Constitution of the Islamic Republic of Iran, Article 3)

#### ۴-۲-۱-۳. حیاتی‌ترین نیازها

در این فقره نیازهای حیاتی واحدهای سیاسی به دو دسته نیازهای حیاتی عمومی و نیازهای حیاتی اختصاصی تقسیم می‌شوند. نیازهای حیاتی عمومی عبارت‌اند از: حفظ بقا، حاکمیت، تمامیت ارضی، وحدت ملی، استقلال و...، اما جمهوری اسلامی ایران علاوه بر این نیازها، نیازهای اختصاصی دیگری نیز دارد از جمله تعهد به رسالت انقلابی و ضرورت رساندن پیام انقلاب اسلامی به سراسر جهان، مرکزیت جهان اسلام و مسئولیت حمایت از مسلمانان جهان، رهبری مستضعفان جهان و حمایت از آن‌ها از طریق مبارزات ضد استکباری.

#### ۴-۲-۲. دیدگاه رهبران انقلاب اسلامی درباره منافع ملی

##### ۴-۲-۲-۱. امام خمینی (ره)

امام خمینی (ره) در طول دوره رهبری خود از ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ تا ۱۴ خرداد ۱۳۶۸ دو بار از کلیدواژه منافع ملی استفاده کرده است. بار نخست در تاریخ ۲۴ دی ماه ۱۳۵۷ در مصاحبه با خبرنگاری فرانسه و دومین بار در تاریخ ۶ بهمن ۱۳۵۷ در گفت‌وگو با سه شخصیت آمریکایی شامل رمزی کلارک، ریچارد فالک و دان لویی. (Sahifeh-ye Imam Khomeini, 2008) موضع‌گیری ایشان بیانگر این حقیقت است که گویا امام خمینی (ره) تبیینی جدید از منافع ملی داشته است. محور عمده راهبرد سیاسی امام خمینی (ره)، که تعریف منافع ملی نیز بر آن استوار شده، اسلام سیاسی است. (Mohammadi sirat, 2017) ایشان منافع ملی کشور را تابعی از متغیر وحدت امت اسلامی می‌دانند نه منافع ملت/ دولت ایران و منافع ملی ایران را از منافع امت اسلامی تفکیک نمی‌کند و تأمین منافع ملی جمهوری اسلامی ایران را وابسته به استیفای منافع امت اسلامی می‌داند. (Bidar & Layali, 2021) در تبیین امام خمینی (ره) از منافع ملی جمهوری اسلامی ایران بین این منافع و منافع امت اسلامی رابطه مستقیمی برقرار می‌شود: «امروز بدون شک سرنوشت همه امت‌ها و کشورهای اسلامی به سرنوشت ما در جنگ گره خورده است و جمهوری اسلامی ایران در مرحله‌ای است که پیروزی او به حساب همه مسلمانان و خدای نخواستگ آن به ناکامی، شکست و تحقیر همه مؤمنین می‌انجامد». در راهبرد

امام خمینی (ره) برای تبیین منافع ملی سه عنصر، نقش برجسته‌تری دارند:

- حفظ هویت و موجودیت جامعه اسلامی: از دیدگاه امام خمینی (ره) عنصر اصلی تکوین هر جامعه فرهنگ است و دین در عرصه فرهنگ نقش محوری دارد. اسلام تنها عامل هویت‌بخش جامعه ماست و موجودیت جامعه ما بستگی تام به هویت اسلامی آن دارد: «بی‌شک بالاترین و والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد فرهنگ آن جامعه است، اساساً فرهنگ هر جامعه هویت و موجودیت آن جامعه را شکل می‌دهد... خواهان و برادران عزیز، در هر کشوری که هستید از حیثیت اسلامی و ملی خود دفاع کنید... به خود آید و شخصیت اسلامی خود را بیاید».

- حفظ نظام اسلامی: در دیدگاه امام خمینی (ره) نظام سیاسی فارغ از قید اسلامی ارزشی ندارد بنابراین حفظ نظام اسلامی را از این نظر جزو منافع ملی می‌دانست که این نظام می‌توانست به حفظ اسلام مساعدت کند: «حفظ اسلام یک فریضه الهی است؛ بالاتر از تمام فرایض؛ یعنی هیچ فریضه‌ای در اسلام بالاتر از حفظ خود اسلام نیست. اگر حفظ اسلام جزو فریضه‌های بزرگ است و بزرگ‌ترین فریضه است بر همه ما و شما و همه ملت و همه روحانیون حفظ این جمهوری اسلامی از اعظم فرائض است.»

- حفظ وحدت اسلامی: نگاه امام خمینی (ره) به منافع ملی مبتنی بر قلمرو ملت/ دولت نبود، بلکه او مرزهای عقیدتی را مد نظر داشت و معتقد بود منافع امت اسلامی یکی بیش نیست و برای حفظ این هدف که موجودیت و اعتلای اسلام است باید وحدت داشت: «اسلام یک ملت واحده است و ممالک اسلامی مثل محله‌های یک شهر به هم نزدیک‌اند و همه روی قواعد اسلامی موظف‌اند که با هم متحد باشند... فکر وحدت مسلمین و دولت‌های اسلامی در رأس برنامه زندگی اینجانب است.» (Sahifeh-ye Imam Khomeini, 2008)

#### ۲-۲-۲-۴. مقام معظم رهبری

در خصوص منافع ملی دیدگاه مقام معظم رهبری با دیدگاه امام خمینی (ره) تفاوت چندانی ندارد. به‌طور کلی، دیدگاه رهبری درباره منافع ملی را می‌توان حول چند عنصر تبیین کرد:

- منافع ملی به‌مثابه هویت انقلابی: «منافع ملی آن‌وقتی منافع ملی هستند که با هویت ملی ملت ایران، با هویت انقلابی ملت ایران در تعارض نباشند. آن‌وقتی منافع واقعاً منافع

ملی هستند که با هویت ملت در تعارض نباشند و الا آنجایی که ما چیزی را به عنوان منافع ملی در نظر می‌گیریم لکن هویت ملی را پایمال می‌کنیم قطعاً اشتباه کرده‌ایم این منافع ملی نیست... منافع ملی بایستی با هویت ملی تطبیق داده شود نه اینکه هویت ملی تابع منافع ملی قرار بگیرد... یکی از کارهای بزرگ انقلاب اسلامی همین است که هویتی برای ملت تعریف کرد و بر آن پافشاری کرد، منافع ملی را براساس آن استخراج کرد و استنباط کرد و ترسیم کرد و تصدیق کرد و دنبال کرد... بعد از انقلاب، منافع ملی تغییر کرد؛ یعنی معیارها برای منافع ملی طبعاً تغییر پیدا کرد... هر آن چیزی که با این هویت [هویت انقلابی] در تعارض باشد منافع ملی نیست ولو ما تصور کنیم که این یک سودی است برای ملت یا منفعتی است برای ملت؛ نه هرچه با اسلام ما با انقلاب ما با گذشته و سابقه تاریخی دیرینه ما معارضه داشته باشد جزو منافع ملی به حساب نمی‌آید. (Ayatollah Khamenei, 2017/6/12)

- انطباق منافع ملی جمهوری اسلامی ایران با منافع ملی سایر مسلمانان: «ما به توفیق الهی، در کنار ملت فلسطین ایستادیم، در کنار ملت‌های انقلاب کرده مسلمان ایستادیم، در کنار مردم مظلوم بحرین ایستادیم در کنار همه کسانی که در مواجهه با آمریکا و صهیونیسم قرار دارند ما ایستادیم و از آن‌ها دفاع می‌کنیم و در این مورد هیچ کس و هیچ قدرتی را ملاحظه نمی‌کنیم». (Ayatollah Khamenei, 2012/7/11) «قیام ملت مسلمان مصر، یک حرکت اسلامی و آزادی خواهانه است. من به نام ملت و دولت انقلابی ایران به شما ملت مصر و ملت تونس درود می‌فرستم و پیروزی کامل شما را از خداوند عزیز مسئلت می‌کنم. من به شما و قیامت‌تان افتخار می‌کنم». (Ayatollah Khamenei, 2011/2/4)

- منافع ملی و هویت دینی: «منفعت ملی آن چیزی است که با هویت ملت ایران هیچ‌گونه معارضه‌ای نداشته باشد و از آن برکنار هم نباشد؛ یعنی برخاسته از این هویت باشد؛ این می‌شود منفعت ملت ایران. این را مسئولان کشور، دولت محترم، قوه قضائیه، قوه مقننه، کسانی که تصمیم‌های کلان را برای کشور می‌گیرند باید همواره در نظر داشته باشند؛ هر چیزی که شائبه ضدیت با اسلام یا بیگانگی از اسلام، ضدیت با انقلاب یا بیگانگی از انقلاب، ضدیت با ریشه تاریخی ملت ایران یا بیگانه از آن یا هر چیزی از این قبیل [داشته] باشد، جزو منافع ملی نیست و مورد تصمیم نمی‌تواند قرار بگیرد». (Ayatollah Khamenei, 2017/6/12)

- همگامی ایدئولوژی و منافع ملی در دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران: «هدف اصلی و

واقعی دیپلماسی، حفظ منافع ملی است و تعامل یا تقابل تنها روش‌هایی برای تأمین منافع ملی هستند. دستگاه دیپلماسی باید منافع ملی را حفظ و تأمین کند. برخی به غلط سخن از لزوم جدایی دیپلماسی از ایدئولوژی به میان می‌آورند، درحالی‌که دیپلماسی ایدئولوژیک هیچ اشکالی ندارد و القای تقابل میان ایدئولوژی و منافع ملی صحیح و منطقی نیست. ایدئولوژی به دنبال تأمین و حفظ منافع ملی است و هویت یک ملت محسوب می‌شود». (Ayatollah Khamenei, 2018/7/21)

- «نظام جمهوری اسلامی یک سخن‌نورا به میدان آورده: برخلاف آنچه تبلیغ می‌کنند و می‌گویند - که این تبلیغ هم باز از سوی دشمنان و مخالفین نظام جمهوری اسلامی است - جمهوری اسلامی دشمن‌تراش نیست، تشنج‌آفرین نیست، دعوا درست‌کن نیست، دنبال دردسر نیست. اگر دردسری وجود دارد ناشی از طبیعت نظام جمهوری اسلامی است. این طبیعت عبارت است از نگاه مستقل به مسائل عالم و تحت تأثیر قدرت‌ها قرار نگرفتن در کوچک و بزرگ مسائل. این از تعالیم اسلام است، این آموزش اسلام است، این هم دستوری است که اسلام به ما داده است». (Ayatollah Khamenei, 2009/5/14)

### ۳-۴. منافع ملی جمهوری اسلامی ایران و دو ناسازواری نظری

با نگاهی مجدد به بیان رهبران جمهوری اسلامی و جایگاهی که این مقوله در قانون اساسی دارد می‌توان چنین انگاشت که منافع ملی در جمهوری اسلامی ایران خاستگاهی دوگانه دارد. در این خوانش ساختار منافع ملی بر دو پایه ذهنی و عینی بنا نهاده شده است، اما وظیفه جهت‌دهی به سیاست خارجی کشور را پایه ذهنی برعهده دارد ازاین‌رو، منافع ملی جمهوری اسلامی ایران در دو عرصه دچار ناسازواری گفتمانی می‌شود:

#### ۳-۴-۱. ناسازواری آرمان‌گرایی با واقع‌گرایی

در تفاوت دو رویکرد واقع‌گرایی و آرمان‌گرایی باید گفت واقع‌گرایی خردنگر است، خاستگاهی عینی و ماهیتی پوزیتیویستی دارد، اما آرمان‌گرایی کلان‌نگر است، خاستگاهی ذهنی و سوگیری ارزشی دارد. به نظر می‌رسد بن‌مایه راهبرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی با رویکرد آرمان‌گرایی همخوانی بیشتری داشته باشد (Ebrahimi, 2009) بنابراین با رویکرد واقع‌گرایی در زمینه‌های ذیل دچار ناسازواری می‌شود:

- ناسازواری در زمینه‌های فکری: واقع‌گرایی دارای زمینه‌های فکری متعددی است که مهم‌ترین آن‌ها باور به جدایی خیر سیاسی از خیر اخلاقی است، اما آرمان‌گرایی قائل به جدایی بین این دو مقوله نیست. منافع ملی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به دلایل و زمینه‌های متعدد با رویکرد آرمان‌گرایی همخوانی بیشتری دارد بنابراین مهم‌ترین وجه تشابه منافع ملی جمهوری اسلامی ایران با رویکرد آرمان‌گرایی «یکی دانستن خیر اخلاقی و خیر سیاسی و نگاه هنجاری به امر سیاسی» است و همین مشخصه تباین آن با واقع‌گرایی را آشکار می‌سازد و از آنجاکه گفتمان غالب در روابط بین‌الملل در عصر حاضر رویکرد واقع‌گرایی است. (Ali-Bakhshi & Bayat, 2007) سیاست خارجی آرمان‌گرایانه جمهوری اسلامی ایران با واقعیت موجود در نظام بین‌الملل دچار ناسازواری شده است.

- ناسازواری در ذات و ماهیت: سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در عرصه روابط بین‌الملل در ایجاد رابطه عقلانی و نتیجه بخش بین «آنچه هست و آنچه باید باشد» تاکنون به توفیق چندانی دست نیافته است. براساس اصل ۱۵۲ قانون اساسی ساختار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران براساس نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه‌جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیرمحابر استوار است، (The Constitution of the Islamic Republic of Iran, Article 152) براین اساس، جمهوری اسلامی ایران از سویی خواهان برقراری یک نظام بین‌الملل مبتنی بر عدالت، اخلاق و صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز و حذف سلطه از روابط بین‌کشورهاست و از سوی دیگر ظرفیت‌های لازم برای اثرگذاری بر نظام بین‌الملل و جهت‌دهی به آن در راستای اهداف مورد نظر را در اختیار ندارد بنابراین دچار ناسازواری شده است.

- ناسازواری در موضوع: موضوع روابط بین‌الملل و سیاست خارجی در رویکرد واقع‌گرایی حفظ و گسترش «قدرت» و «ثروت» است، اما این دو عنصر فی‌نفسه در ادبیات رسمی جمهوری اسلامی ایران جایگاهی ندارند و هدف تلقی نمی‌شوند، بلکه ابزارهایی هستند که برای رسیدن به هدفی آرمانی یعنی تأسیس یک جامعه جهانی مبتنی بر عدالت و اخلاق از آن‌ها استفاده می‌شود بنابراین می‌توان مدعی شد بین اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با رویکرد آرمان‌گرایی نسبت مثبت اما با رویکرد واقع‌گرایی نسبت منفی برقرار است. (Ebrahimi, 2009)

- ناسازواری در جامعه هدف: منافع ملی و سیاست خارجی مفاهیمی هستند که متعاقب تأسیس واحد سیاسی و جغرافیایی به نام ملت/ دولت تکوین یافته‌اند. نخستین ویژگی ملت/ دولت آن است که قلمرو معین و مرزهایی روشن داشته باشد. نخستین نتیجه این ویژگی تقسیم جغرافیایی جهان به واحدهای سیاسی و جغرافیایی معین است و رویکرد واقع‌گرایی نیز بر همین اساس تنظیم شده است. حال آنکه رویکرد آرمان‌گرایانه جمهوری اسلامی وحدت جهان اسلام، ارتقای جایگاه آن در نظام بین‌الملل و توسعه فرهنگ اسلامی در سایر نقاط جهان است. به عبارتی در حوزه قلمرو تبیین منافع ملی نظام بین‌الملل و جمهوری اسلامی ایران در دو جهت مخالف در حال حرکت هستند؛ یکی رو به درون دارد و دیگری رو به بیرون. در قاموس جمهوری اسلامی ایران براساس منطق امت مرز بین انسان‌ها عقیدتی است و نه جغرافیایی. از این رو، تمام مسلمانان را به دور از هرگونه تفاوت در رنگ و زبان و ملیت عضوی از اعضای امت یگانه اسلام می‌داند. در نقطه مقابل امت، ملت/ دولت قرار دارد که مسیری کاملاً برعکس را طی می‌کند و بنا دارد از راه تجزیه جهان واحد اجزایی مستقل را تأسیس کند که دارای هویت، حاکمیت و قلمرو و منافع مشخص و معین هستند. در ملت/ دولت هدف رسیدن به وحدت درونی است، اما در امت هدف رسیدن به وحدت بیرونی است؛ به تعبیری ملت/ دولت از ظرفیت بیرونی برای تقویت منافع درونی بهره می‌گیرد، اما امت برای تقویت منافع بیرونی از ظرفیت درونی استفاده می‌کند.

#### ۴-۳-۲. ناسازواری ایدئولوژی<sup>۱۵</sup> و عقلانیت<sup>۱۶</sup>

ایدئولوژی به مجموعه‌هایی از باورهای صریح یا نظام‌مند درباره سیاست اشاره دارد و طیف گسترده‌ای از اندیشه‌ها و بنیادهای نظری و عملی را دربرمی‌گیرد، اما در قاموس جمهوری اسلامی ایدئولوژی همه جنبه‌های زندگی فردی و اجتماعی و عرصه ملی و فراملی را دربرمی‌گیرد و به یکی از عوامل تنش‌زا در سیاست خارجی تبدیل شده است. (Ajili & Sadri, 2024) همان‌گونه که پیشتر اشاره شد نسبت منافع ملی و مبانی اسلامی در جمهوری اسلامی از چهار الگو پیروی می‌کند شامل «ارتباط، عدم ارتباط، انکار منافع ملی و ارتباط مشروط». منافع ملی جمهوری اسلامی ایران در قالب الگوی اخیر قابل تعریف و تبیین است؛ به عبارتی منافع ملی در جمهوری اسلامی با درج در متن مبانی اسلامی/ انقلابی بازتعریف و بومی‌سازی و به صورت

15. Ideology

16. Rationality

مشروط پذیرفته شده است. به عقیده برخی صاحب نظران، جمهوری اسلامی ایران در قبال سیاست خارجی تاکنون سه رویکرد را در پیش گرفته است:

- رویکرد انقلابی<sup>۱۷</sup> که در آن علاوه بر بقای نظام، راهبرد صدور انقلاب اسلامی جایگاهی محوری دارد و نسبت آن با نظام بین الملل «منفی» است.

- رویکرد اسلامی<sup>۱۸</sup> که مأموریت اصلی آن حل تعارض اهداف ملی و آرمان های اسلامی است که نسبت آن با نظام بین الملل «خنثی» است.

- رویکرد ملی گرایانه<sup>۱۹</sup> که در آن توسعه داخلی ایران بر مسائل امت اسلامی و تعارض با استکبار جهانی اولویت داده می شود (Gharayagh Zandi, 2008) و نسبت آن با نظام بین الملل «مثبت» است.

## ۵. راهکار حل ناسازواری های منافع ملی جمهوری اسلامی ایران با نظام بین الملل

زمینه اصلی ناسازواری منافع ملی جمهوری اسلامی ایران با نظام بین الملل در دو عرصه است؛ ناسازواری بین آرمان گرایی و واقع گرایی و ناسازواری بین ایدئولوژی و عقلانیت بنابراین می توان مدعی شد نوع رابطه بین این چهار عنصر بر ماهیت و هدف منافع ملی اثر مستقیم خواهد گذاشت. به لحاظ نظری تفاوت عمده بین راهبرد منافع ملی جمهوری اسلامی ایران و نظام بین الملل در این است که راهبرد منافع ملی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در ادامه تحولات فکری قرن ۲۰ متأثر از پارادایم مدرن است، اما نظام بین الملل با ورود به قرن ۲۱ دهه هاست که از این پارادایم عبور کرده و در جهان زیست پسامدرن تنفس می کند. روشن است که این چهار عنصر در پارادایم مدرن یک معنی و در پارادایم پسامدرن معنای دیگری می یابند بنابراین نخستین گام برای رفع ناسازواری بین منافع ملی و نظام بین الملل درک درست ماهیت و فضای آن و پیوستن به جهان زیست پسامدرن است. همان گونه که پیشتر اشاره شد عمل گرایی نتیجه محور رویکردی است عینی، عملی، روزآمد و پسینی که در حوزه عمومی و مبتنی بر عقلانیت ارتباطی بر سر سودمندی آن توافق حاصل شده است بنابراین دستگاه دیپلماسی کشور در گام دوم باید به الزامات رویکرد عمل گرایی نتیجه محور تمکین

17. Revolutionary Approach

18. Islamic Approach

19. National Approach

کند. این رویکرد باید از پنج ویژگی برخوردار باشد: نخست، عینی باشد؛ یعنی بر آنچه در عرصه روی می‌دهد و آثار آن در زندگی مردم و حیات اجتماعی و سیاسی کشور ظاهر می‌شود تمرکز یابد. دوم، عملی باشد؛ یعنی بتوان اهداف آن را با استفاده از امکانات و شرایط موجود محقق کرد. سوم، روزآمد باشد؛ یعنی با تغییرات جهان زیست ملی و فراملی هماهنگ باشد یا دست‌کم ناسازوار نباشد. چهارم، پسینی باشد؛ یعنی بتواند با ورزیدگی خود را با تحولات عرصه فکری، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی حال کشور و جهان همراه کند. پنجم و از همه مهم‌تر، سودمند باشد؛ یعنی بتواند به تقویت ثبات و امنیت کشور بینجامد، اعتبار ملی و بین‌المللی آن را ارتقا دهد، زمینه وفاق ملی و انسجام اجتماعی را فراهم کند، سطح زندگی مردم را افزایش دهد و سرانجام آنکه کشور را به توسعه فراگیر و پایدار برساند و در یک کلمه به «آینده بهتر» بینجامد.

براساس یافته‌های پژوهش، اجمالاً در دو عرصه بین منافع ملی جمهوری اسلامی ایران با نظام بین‌الملل ناسازواری به وجود آمده است که شامل ناسازواری بین آرمان‌گرایی با واقع‌گرایی و ناسازواری بین ایدئولوژی و عقلانیت می‌شود بنابراین دستگاه دیپلماسی کشور در گام سوم باید این چهار عنصر را بازخوانی کند و قرائتی جدید که هم‌زمان زمینه سازواری با نظام بین‌الملل و منافع ملی را فراهم کند ارائه کند. براین اساس دستگاه دیپلماسی کشور باید دریابد که همه مفاهیم و مصادیق فکری بشر در بستری از حرکت دائم و در فضایی گفتمانی مبتنی بر عقلانیت ارتباطی رو به تکامل دارند. آرمان‌گرایی، واقع‌گرایی، ایدئولوژی و عقلانیت نیز از این قاعده مستثنی نیستند بنابراین باید دانست عینیت و ذهنیت، آرمان و واقعیت، ایدئولوژی و عقلانیت در جهان زیست امروز در تقابل با یکدیگر نیستند، بلکه در فضایی دیالکتیکی در حال حرکت و نوزایی هستند و از شکلی به شکل دیگر در حال نوسان‌اند و در تحول و تکامل یکدیگر مؤثرند. براساس این منطق، عینیت امروز ما ذهنیت دیروز ماست و واقعیت فردای ما آرمان امروز ما. ایدئولوژی دیروز ما عقلانیت امروز ماست و عقلانیت فردای ما ایدئولوژی امروز ما. معنی و مفهوم این روند فکری و فلسفی این است که این چهار عنصر هم‌زمان با تغییر پارادایم و جابه‌جایی گفتمان‌ها دچار نوزایی و بازخوانی می‌شوند بنابراین حضور در چنین وضعیتی نیازمند شجاعت و ورزیدگی نظری و آمادگی عملی است تا در فرایند بازخوانی، رابطه منفی و کاهنده آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی و ایدئولوژی و عقلانیت را به رابطه مثبت و فزاینده بدل کند.

## ۶- نتایج تعارضات سه گانه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

هر دولت در مواجهه با نظام بین الملل سه رویکرد را در برابر خود می بیند؛ «معارضه»<sup>۲۰</sup>، «انتقاد»<sup>۲۱</sup>، «پذیرش»<sup>۲۲</sup>. (Naqibzadeh, 2009) معارضه و عصیان علیه نظام بین الملل به «انزوآگری»<sup>۲۱</sup>، انتقاد از نظام بین الملل به «بی طرفی» و پذیرش نظام بین الملل به «ادغام» در این نظام خواهد انجامید. برای تحلیل یک سیاست خارجی موفق باید بر سوگیری آن براساس الگوی سه گانه فوق و نتایج حاصل از آن تمرکز کرد. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران درقبال نظام جهانی از بدو تأسیس تاکنون از الگوی واحدی پیروی نکرده است، اما در مجموع رگه های تعارضی آن برجسته تر بوده و این جهت گیری سیاسی در سطوح مختلف دارای نتایج گوناگونی بوده است:

### ۶-۱. سطح ملی<sup>۲۳</sup>

ماهیت ناسازواری با نظام بین الملل در بلندمدت از عرصه سیاست خارجی به عرصه داخلی سرایت کرده و زمینه ساز شکاف سیاسی بین ملت و دولت، شکاف اجتماعی بین موافقان و منتقدان، تشکیک و ابهام درباره هنجارها و ارزش های رسمی، بحران های اقتصادی و کاهش سطح رفاه شهروندان، مهاجرت نخبگان، سرمایه، نیروی کار متخصص و ناکارآمدی تدریجی سیستم بروکراسی شده است.

### ۶-۲. سطح منطقه ای<sup>۲۴</sup>

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه دارای دو هدف عمده است: «صدور انقلاب اسلامی» و «مبارزه با اسرائیل». محور صدور انقلاب اسلامی باعث بروز برخی ابهامات در روابط جمهوری اسلامی با برخی از کشورهای منطقه شده و محور مبارزه با اسرائیل زمینه ساز دخالت قدرت های جهانی در معادلات منطقه شده است. جمهوری اسلامی برای تحقق دو هدف فوق سیاست خارجی خود را با دو سویه به پیش می برد (Seifi & Mohammadnia, 2024):

20. Contention
21. Criticism
22. Admission
23. National Level
24. Regional Level

- سویه رابطه با بازیگران رسمی: در این سویه جمهوری اسلامی ایران صرف نظر از اسرائیل با سایر دولت‌های منطقه به صورت متوالی یا متناوب روابط سیاسی و اقتصادی داشته و دارد. این روابط دارای سه وضعیت است: «تنش»، «تعامل» و «هم‌افزایی». رابطه ایران با عربستان سعودی و امارات متحده عربی از نوع اول، رابطه ایران با ترکیه و قطر از نوع دوم و رابطه ایران با عراق از نوع سوم است. مجموعاً این روابط از الگویی خاص و مستمر پیروی نمی‌کنند بنابراین فرصت‌ها و تهدیدات آن نیز موقت، پرفرازونشیب و غیرقابل اتکا هستند.

- سویه رابطه با بازیگران غیررسمی: در خاورمیانه علاوه بر دولت‌های رسمی بازیگران غیررسمی بسیاری نیز حضور و مشارکت دارند که بسته به سویه و میزان وابستگی‌شان به قدرت‌های حامی هویت و عملکرد متفاوتی دارند. جریان مقاومت یکی از این بازیگران غیررسمی در تحولات خاورمیانه است. حماس و جهاد اسلامی در فلسطین، حزب الله در لبنان، حشدالشعبی در عراق و انصارالله در یمن از عمده‌ترین نیروهای جریان مقاومت هستند که با حمایت دولت جمهوری اسلامی ایران به حیات و فعالیت خود ادامه می‌دهند. محور اتحاد این بازیگران غیررسمی نابودی اسرائیل و مبارزه با حضور آمریکا در خاورمیانه است. ارتباط جمهوری اسلامی با این بازیگران غیررسمی باعث ایجاد سوءتفاهماتی با برخی از دولت‌های خاورمیانه شده است. برای مثال می‌توان به سردی روابط با عربستان سعودی اشاره کرد که حمایت جمهوری اسلامی ایران از انصارالله یمن در آن بی‌تأثیر نبوده است.

### ۳-۶. سطح جهانی<sup>۲۵</sup>

نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران برآمده از انقلابی ایدئولوژیک است که در فضای دوقطبی جنگ سرد روی داده بود بنابراین همچنان تحت تأثیر آن فضا جهان را نه به معنی سوسیالیستی آن که براساس منطق بنیادگرایی اسلامی دوقطبی می‌بیند. براین اساس بین جهان سلطه [بلوک غرب سابق] از یک سو و جهان ضدسلطه با مرکزیت امت اسلامی به رهبری جمهوری اسلامی ایران تنشی دائمی برقرار است بنابراین سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران جهت‌گیری تهاجمی دارد. در سطح جهانی نتایج ناسازواری‌های سه‌گانه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با نظام بین‌الملل به صورتی روشن‌تر و به نحوی مصداقی در چهار محور قابل مشاهده است (Eyvazi, 2021):

#### 25. Worldwide Level

- تحریم‌های بین‌المللی<sup>۲۶</sup>: تحریم‌های بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی سه ضلع دارد: شامل ایالات متحده آمریکا، اتحادیه اروپا و سازمان ملل متحد. مواردی مانند صنایع نفت و گاز، معادن و فلزات، بانک مرکزی، کشتیرانی و تجارت بین‌الملل، بیمه و بانکداری، صنایع دفاعی/ موشکی و فناوری هسته‌ای مهم‌ترین مصادیق تحریم‌های بین‌المللی به شمار می‌روند. در این میان تنها موردی که هر سه ضلع تحریم‌ها متفقاً در آن مشارکت و هم‌افزایی دارند و موفق به ایجاد اجماع جهانی علیه جمهوری اسلامی ایران شده‌اند تحریم علیه فناوری هسته‌ای بوده است.

- پرونده فناوری هسته‌ای: برنامه فناوری هسته‌ای ایران در اواخر دهه ۱۳۲۰ آغاز شد، در سال ۱۹۵۸ ایران به عضویت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی درآمد و در سال ۱۹۶۸ به پیمان عدم تکثیر سلاح‌های هسته‌ای پیوست. (Simbar, et al., 2006) در سال ۲۰۰۶ ایران به فناوری غنی‌سازی اورانیوم با سطح پایین دست یافت و در سال ۲۰۱۲ توانست سطح غنی‌سازی را به ۲۰ درصد برساند. از سال ۲۰۰۲ که روزنامه نیویورک تایمز خبر فعالیت‌های هسته‌ای ایران در تأسیسات هسته‌ای را افشا کرد پرونده هسته‌ای ایران جنبه جهانی به خود گرفت. متعاقب آن با حمایت و هدایت آمریکا و اتحادیه اروپا، سازمان ملل متحد شش قطعنامه علیه فناوری هسته‌ای ایران و بخش‌های مرتبط وضع کرد. (Simbar, et al., 2006)

- پرونده حقوق بشر: فعالیت‌های دولت جمهوری اسلامی ایران در زمینه حقوق بشر در سه عرصه برای نظام جهانی دارای ابهام است بنابراین در معرض اتهام نقض حقوق بشر قرار گرفته است که شامل این موارد می‌شود: اجرای پاره‌ای از احکام فقهی، رعایت نکردن حقوق اقلیت‌های قومی/ مذهبی/ جنسیتی... و رعایت نکردن حقوق شهروندان دگراندیش، منتقدان و زندانیان سیاسی. سازمان ملل متحد تاکنون با محوریت مباحث حقوق بشری چند قطعنامه علیه جمهوری اسلامی ایران صادر کرده است، اما اوج ناسازواری مواضع جمهوری اسلامی ایران در زمینه حقوق بشر با نظام جهانی تصویب قطعنامه شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد در سی و پنجمین نشست ویژه شورای حقوق بشر در تاریخ ۲۴ نوامبر ۲۰۲۲ تحت عنوان A/HRC/S-35/L.1 بود که خواستار اعزام گروه حقیقت‌یاب برای بررسی پیامدهای تنش‌های سیاسی و اجتماعی نیمه دوم سال ۱۴۰۱ می‌شد. در ادامه این رویکرد، جامعه جهانی دولت جمهوری اسلامی ایران را از کمیسیون مقام زن وابسته به شورای اقتصادی/ اجتماعی ملل متحد

## 26. International Sanctions

در تاریخ ۱۴ دسامبر ۲۰۲۲ اخراج کرد.

- پرونده تروریسم بین‌المللی: جامعه جهانی دولت جمهوری اسلامی ایران را در پرونده‌های ذیل به تروریسم متهم کرده است هرچند جمهوری اسلامی تاکنون مسئولیت این موارد را نپذیرفته: ترور مخالفان عقیدتی و سیاسی در داخل، ترور مخالفان سیاسی در خارج، ماجرای رستوران میکنونوس در سال ۱۹۹۲، انفجار سفارت آمریکا در بیروت در سال ۱۹۸۳، انفجار در مرکز یهودیان آرژانتین در سال ۱۹۹۴.

## ۷. بحث و نتیجه‌گیری

همان‌گونه که پیشتر اشاره شد به اذعان رهبران نظام، ناسازواری منافع ملی در قاموس جمهوری اسلامی ایران با منافع ملی در نظام جهانی امری طبیعی است. این ناسازواری ریشه در تفاوت عمیق اصول حاکم بر نظام بین‌الملل و اصول و آرمان‌های اسلامی و ارزش‌های انقلابی حاکم بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دارد. نتیجه این ناسازواری در چند سال اخیر در عرصه ملی تنش‌های مستمر اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بوده است. در عرصه منطقه‌ای به حملات متقابل بین جمهوری اسلامی ایران و اسرائیل از یک‌سو و جنگ تمام‌عیار نیروهای متمایل به انقلاب اسلامی با اسرائیل از سوی دیگر انجامیده و در عرصه جهانی نیز به تحریم‌های اقتصادی و تنش‌های سیاسی و دیپلماتیک دامنه‌داری منجر شده است. استیلای این وضعیت بر عرصه داخلی و خارجی کشور حل و فصل ناسازواری موجود را به ضرورتی انکارناپذیر تبدیل کرده است. دولت جمهوری اسلامی ایران در چند دهه گذشته تلاش کرده است مطابق شرایط زمانی و مقاطع تاریخی خاص موقتاً این ناسازواری را مدیریت کند و آسیب‌های آن را به حداقل ممکن برساند، اما دستگاه دیپلماسی کشور تاکنون قادر به طراحی راهبردی واحد نشده که بتواند این تعارض را در عرصه بینش و کنش سیاست خارجی مرتفع کند بنابراین از ظرفیت بخش عینی منافع ملی برای پیشبرد اهداف بخش ذهنی آن استفاده کرده است، به نحوی که بخش عینی منافع ملی در معرض آسیب‌های جدی قرار گرفته و بخش ذهنی آن نیز به دلیل نبود حمایت داخلی از یک‌سو و واکنش متقابل رقبای منطقه‌ای و جهانی از سوی دیگر کار چندانی از پیش نبرده است. همچنین نظام بین‌الملل شامل قدرت‌های جهانی، قدرت‌های منطقه‌ای و سازمان‌های بین‌المللی رویکرد مماشات با جمهوری اسلامی را کنار نهاده و با تمرکز بر رفتار جمهوری اسلامی در داخل و خارج مرزها از تمامی اهرم‌های لازم اعم از قدرت نرم و قدرت سخت برای مهار آن بهره برده‌اند. در

چنین شرایطی چه راهکاری را می‌توان اتخاذ کرد؟ بدیهی است اصرار به ادامه مسیر طی شده به‌ویژه تأکید بر برداشت موجود از منافع ملی به نتایج جبران‌ناپذیری منجر خواهد شد، اما اصرار بر واسازی آرمان‌های ایدئولوژیک نیز خالی از زیان نیست، زیرا به فروپاشی ساختار فکری نظام، هرج‌ومرج اجتماعی و بی‌ثباتی سیاسی خواهد انجامید بنابراین باید راهکاری در پیش گرفته شود که هم‌زمان با حفظ آرمان‌های ایدئولوژیک، ناسازواری با نظام بین‌الملل نیز حل و فصل شود. راهکار پیشنهادی به‌کارگیری رویکرد عمل‌گرایی نتیجه‌محور است. براساس این رویکرد، باید باورهای پیشینی درباره منافع ملی و سیاست خارجی بازبینی یا از اولویت خارج شوند تا باورهای پسینی، که حاصل آموشد عملی بین سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و نظام بین‌الملل هستند، جایگزین آن‌ها شوند. در این رویکرد، کشورهای منطقه و قدرت‌های جهانی با «نگاهی رو به آینده» به تفاهمی نسبی و عقلانی از امنیت، استقلال، توسعه و زیست مسالمت‌آمیز دست خواهند یافت. محور دستیابی به چنین تفاهمی این اصل است: «آنچه حقیقی است به عمل درمی‌آید و آنچه به عمل درمی‌آید حقیقی است». در این رویکرد کافی است جمهوری اسلامی ایران ضمن روزآمد کردن خوانش خود از آرمان، آرمان‌های خود را براساس معیار «عملی بودن یا عملی نبودن» تقسیم‌بندی کند و به اهداف عملی اولویت بخشد. در جهان معاصر، از قدرت سخت تنها برای بازدارندگی استفاده می‌شود. شکست ارتش آمریکا در افغانستان و به دام افتادن ارتش روسیه در اوکراین مؤید این حقیقت هستند که با قدرت سخت نمی‌توان آرمان‌ها را پاس داشت. جمهوری اسلامی ایران بهتر است به‌جای تمرکز روی رویکرد نظامی، که زمینه مناسبی برای ایجاد توازن قوا با قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی نیست، از مزیت نسبی خود در حوزه فرهنگی نهایت بهره را ببرد و با استفاده از ظرفیت قدرت نرم از جمله معنویت، فرهنگ، رسانه، هنر، ادبیات، موسیقی، ورزش، گردشگری، دانش و تکنولوژی، موقعیت ژئواکونومیک، دیپلماسی فرهنگی و اقتصادی... بدون تشدید ناسازواری‌های موجود، با شهروندان کشورهای منطقه و جهان ارتباط برقرار کند و زمینه آشنایی آن‌ها را با آرمان‌های انقلاب اسلامی فراهم کند و تحت تأثیر افکار عمومی، دولت‌های این کشورها را به تعامل و ایجاد ارتباط سازنده با دولت جمهوری اسلامی ایران وادار کند. بنیان معرفتی و سیاسی جمهوری اسلامی توأمان بر آرمان‌خواهی و واقع‌بینی استوار شده است که ریشه در مصالح عامه و فقه شیعی دارد. از این قرار تلاش‌های طراحان دیپلماسی کشور باید به وجهی باشد که کشورمان از ترکیب این دو در روابط بین‌الملل بیشترین سود را در جهت تأمین و ارتقای منافع ملی ببرد.

## References

- Ajili, Had; Zahra Sadri (2024). Pathology of the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran in the Caucasus (From the Collapse of the Soviet Union to 20232024-. The Journal of Fundamental and APPLIED Studies of the Islamic World, Issue 21, Vol. 6, No. 3, Serial No. 21, PP. 6183-. **[In Persian]**
- Agha-bakhshi, Ali; Afshari, Minoo (2004). Dictionary of Political Science, Tehran: Chapter Publishing. **[In Persian]**
- Ali-Bakhshi, Ebrahim; Bayat, Mohammad Hasan (2007). Theoretical Foundations of National Interests, Tehran: Aja Publishing House. **[In Persian]**
- Ayatollah Khamenei, Ali (2012). Ayatollah Khamenei's Statements at the Meeting of the Participants in the World Summit on Women and Islamic Awakening, available at: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id>. **[In Persian]**
- Ayatollah Khamenei, Ali (2011). Ayatollah Khamenei's Statements in the Sermons of Friday Prayers in Tehran. available at: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=10955>. **[In Persian]**
- Ayatollah Khamenei, Ali (2017). Ayatollah Khamenei's Statements in the Meeting with Regime Officials. <https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1651#67044>. **[In Persian]**
- Ayatollah Khamenei, Ali (2018). Ayatollah Khamenei's Statements in the Meeting with Ambassadors and Officials of the Ministry of Foreign Affairs, available at: <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=40156>. **[In Persian]**
- Ayatollah Khamenei, Ali (2009). Ayatollah Khamenei's Statements in a Meeting with Elected Officials of Kurdistan Province, available at: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=6820>. **[In Persian]**
- Behzadi, Hamid (1999). Principles of International Relations and Foreign Policy. Tehran: Dekhoda Publishing. **[In Persian]**
- Bidar, Esmael; Layali, Mohammad Ali (2021). The Relationship between Na-

tional Interests and the Unified Islamic Ummah with an Emphasis on the Thought of Imam Khomeini(RA). Scientific Quarterly Journal of Islamic Revolution Studies; 1865) ), PP. 219238-. **[In Persian]**

Dehghani Firouzabadi, Seyyed Jalal (2014). the Book Summarizing the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran. Pdf Volume. **[In Persian]**

Eyvazi, Mohammad Rahim (2021). Studies of the Islamic/Iranian Model of Progress; Future Research of the Islamic Revolution, Tehran: Pattern of Progress Publishing. **[In Persian]**

Ebrahimi, Sharouz (2009). Constructive study of the Role of Ideology in Iran's Foreign Policy and its Connection with Realism and Idealism, Vol 1, Issue 4, Serial No. 4. **[In Persian]**

Ejitu N. Ota; Chinyere S. Ecoma (2022). Power and National Interest in International Relations, European Journal of Humanities and Social Sciences , PP. 23.30 -

Gharayagh Zandi, Davood (2008). Principles and Foundations of Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran: A Survey on the Texts. Strategic Studies Quarterly, 11(40), PP. 277313-. **[In Persian]**

Khatami, Mahmoud (2007). Considerations on Modernity and Postmodernism; Contemporary Intellectual/Philosophical APPROaches in the West, Vol. 4, by the Efforts of the Western Studies Department of the Research Institute of Humanities and Cultural Studies, Tehran: Publications of the Research Institute of Humanities and Cultural Studies. **[In Persian]**

Khanei, Mohammad Hassan; Mohammadi-sirat, Hosein (2017). The Impact of Ideology on National Interests and National Security in Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran; Emphasizing on Imam Khomeini's Ideas (ra). Quarterly Journal of Political Research in Islamic World, 6(4) PP. 91121-. **[In Persian]**

Khanei, Mohammad Hassan; Mohammadi-sirat, Hosein (2018). The Practical Relationship between National Interest and Islamic Ideology in Foreign Pol-

- icy of the Islamic Republic of Iran. Journal of Political Sociology of Islamic World, 6(12), PP. 45.72-
- Mohammadi Sirat, Hossein (2019), Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran; National Interests and Islamic Principles, Tehran: Imam Sadegh University Press. **[In Persian]**
- Mahmoodikia, Mohammad; Dehshiri, Mohammad Reza (2020). The Ratio of Pragmatism to Ideology in Iran's Foreign Policy; Strategic or Tactical Approach? Political Strategic Studies, 9(32), PP. 934-. **[In Persian]**
- Mahmoudikia, Mohammad (2023). National Interests and Resistance Strategy in I.R.Irans foreign policy; Contrasting or Synergistic?. Journal of Political Knowledge, 19(1), 239256-. doi:10.30497/pkn.2022.240444.2803 **[In Persian]**
- Mousavi, Seyyed Fazlollah; Sarghani, Mohsen; Ramin Nia, Mozghan; Hossein Zadeh, Hassan (2017). Security and National Interests of the Islamic Republic of Iran in the Light of the United Nations Charter with Emphasizing on the Foundations and Goals of the Islamic Revolution. Islamic Revolution Research, 6(1), PP. 197215-. **[In Persian]**
- Metea, Ileana-Gentilia (2020). National Interest, Terminology and Directions of Approach, International Conference Knowledge-based Organization Vol. XXVI, No. 2020 1, PP. 75.79 -
- Naqibzadeh, Ahmad (2009). Theoretical and Practical Challenges in the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran, Foreign Relations Quarterly, Vol 1, Issue 2, Serial No. 2 .PP. 3355-. **[In Persian]**
- Sahifeh-ye Imam Khomeini (2008). Available at: [http://en.imam-khomeini.ir/en/c5\\_3240/Book/English/SAHIFEH-YE-IMAM- Volume 20](http://en.imam-khomeini.ir/en/c5_3240/Book/English/SAHIFEH-YE-IMAM- Volume 20).
- Sahifeh-ye Imam Khomeini (2008). Available at: [http://en.imam-khomeini.ir/en/c5\\_3240/Book/English/SAHIFEH-YE-IMAM- Volume 15](http://en.imam-khomeini.ir/en/c5_3240/Book/English/SAHIFEH-YE-IMAM- Volume 15).
- Sahifeh-ye Imam Khomeini (2008). Available at: [http://en.imam-khomeini.ir/en/c5\\_3240/Book/English/SAHIFEH-YE-IMAM- Volume 10](http://en.imam-khomeini.ir/en/c5_3240/Book/English/SAHIFEH-YE-IMAM- Volume 10).

Sahifeh-ye Imam Khomeini (2008). Available at: [http://en.imam-khomeini.ir/en/c5\\_3240/Book/English/SAHIFEH-YE-IMAM- Volume 3](http://en.imam-khomeini.ir/en/c5_3240/Book/English/SAHIFEH-YE-IMAM- Volume 3).

Sabzian Mosiabadi, Alireza; Bahman, Shuaib (2010). Pragmatism and Politics: A Study and Critical Review of Pragmatism in the Sphere of Government and Politics Subject Areas, International and political Research Quarterly, Issue 5, Vol. 2, PP. 89123 -. **[In Persian]**

Seifi, Abdolmajid; Mohammadnia, Mahdi (2024). The Status of Wedge Strategy in the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran (Case Study: Persian Gulf Cooperation Council). The Journal of Fundamental and APPLIED Studies of the Islamic World, Issue 21, Vol.6 , No.3, Serial No. 21, PP. 165-189. **[In Persian]**

Republic of Iran (Case Study: Persian Gulf Cooperation Council)

Simbar, Reza; Rahmdel, Reza; Fallah, Mahsa (2006). Iran Nuclear Security Dilemma from the Perspective of Neo-Realism Subject Areas: International Relations Studies, Issue 36, Vol. 9, PP. 87106 -. **[ In Persian]**

Shariatmadari, Ali (2004). Philosophy, Tehran: Publications of the Department of Islamic Literature. **[In Persian]**

Salehi, Javad; Razavi, Seyyed Kazem (2017). National interests in theoretical perspective Subject Areas: Political and International Researches Quarterly, Issue 30, Vol. 8, PP. 125149-. **[In Persian]**

The Constitution of the Islamic Republic of Iran, available at: <https://www.ekhtebar.ir/wp-> **[In Persian]**